

# ابتکار دفاع استراتژیک

## حفاظت از کیهان

### یا شمشیر داموکلس

#### از منابع خارجی

- بین طرفداران و مخالفین استقرار تسلیحات در فضا، بحثهای متعددی در می‌گیرد، ولی معمولاً این بحثها به نتیجه‌ای نمی‌رسد.
- به همین دلیل، سؤالات زیر، نیاز به پاسخی روشن دارند:
  - ایجاد حفاظت کیهانی منطبق با واقعیت است؟
  - نظامی‌گری فضائی به کجا ختم می‌شود؟
  - استقرار تسلیحات در فضا يك گام به سوی صلح است یا به سوی جنگ؟

يك ایستگاه فضائی را مجسم کنید که سلاحی با انرژی هدایت شونده از طریق لیزر

نیز بازارهایی برپا بوده و ما پیش از این، از پیوند تپه‌یخیا با این بازارها - که بیشتر از تشابه سفالگری‌هایشان آشکار می‌شود - سخن گفته بودیم.

عیلامی‌ها خیلی جلوتر از هاراپاتی‌ها بودند، تپه‌یخیا دست کم سه‌سده پیش از ظهور تمدن در دژه‌سند پا گرفته بود. پیداست که تمدن از میان‌دورود به‌دره‌سند نفوذ کرده بود، ولی این راه دور را چگونه پیموده بود؟ با اینکه به‌تازگی معلوم شده که شبکه‌های بازرگانی در روزگار نوسنگی هم برقرار بوده است ولی گرایش شدیدی وجود دارد که هنوز بنا بر عقیده گذشته، بازرگانی را درست زائیده شهرنشینی بدانند یعنی که نخست شهرنشینی پدید آمده و سپس بازرگانی، درحالی‌که بازرگانی هم، بی‌چون وچرا یکی از انگیزه‌های اصلی رشد تمدن و شهرنشینی بوده است. بنظر ما این درست همان چیزی است که باحال و احوال کرمان و بلوچستان ایران - در روزگار کهن - جور می‌شود.

بازرگانی بین میان‌دورود و مردم این نواحی دورافتاده ایران، مراکز را طلب می‌کرد که حکم بازار بین راه را داشته باشند. همین موضوع پایه اقتصادی رشد شهرنشینی مراکز چون تپه‌یخیا را در هزاره چهارم پیش از میلاد فراهم می‌آورد، پس از آنکه این قلمرو عیلامی در آنجا مستقر می‌شود، در اثر رابطه بازرگانی که با شرق دور برقرار می‌کند، انگیزه بیشتری برای رشد شهرنشینی فراهم می‌شود که در هزاره سوم پیش از میلاد، با طلوع تمدن هاراپاتی باوج خود می‌رسد. سرمور تیمرویلر (Sir Mortimer Wheeler) گفته است که «اندیشه تمدن از میان‌دورود به‌دره‌سند راه یافت» و بحق شایسته است که به بازارها و مراکز میان راه دوحوزه رودخانه (سند و فرات) نیز نام رهگشا داده شود.

ترجمه هزمر شهریاری

«دستگاه تقویت کننده امواج نور» را مورد استفاده قرار می دهد.  
این ایستگاه می باید دارای ذخیره بزرگی از نیدروکربور (نیدروژنی که در گاز فلتور<sup>۲</sup> می سوزد)<sup>۳</sup> باشد.

لیزر که مانند آئینه ای بزرگ (حد اقل به ضخامت ۴ متر) به عنوان منتشر کننده اشعه برای تجزیه شعاعات تخریب کننده بر روی هدف، عمل می کند، قابل اطمینان نیست.  
طبق اطلاعات منتشره از دانشگاه استنفورد، برای نشانه گیری تمام هدفهای موجود (موشک اندازهای دشمن) می باید، ۳۲۵ ایستگاه فضائی در اطراف زمین استقرار یابند.  
برای حمل این ایستگاهها به فضا لازم است، صدها خطوط ویژه برای انجام این گونه پروازها ایجاد شوند. به منظور انجام این پروازها، همراه با پروازهای کنونی، در مدار قرار دادن این ایستگاهها دهها سال به طول می انجامد.

اکنون ببینیم عملکرد این دستگاه چگونه است؟ انرژی اشعه ناشی از دستگاه تقویت کننده امواج نور (لیزر) برای تخریب موشکهای بالستیک کافی نیست، ولی برای آسیب رساندن به آنها و ممانعت از اجرای ماموریتشان کفایت می کند. اشعه دستگاه تقویت کننده امواج نور، دیواره موشک را سوراخ می کند و باعث ایجاد اغتشاش در موتور آن می شود و این عمل، خروج گاز «کربور» را به دنبال دارد.

موشک بالستیک، در دقایق اولیه به ویژه پس از شلیک یعنی پس از آنکه موتور آن عمل می کند، آسیب پذیر است. هنگامی که موتور پرتاب موشک عمل می کند ۱۰۰ موشک می تواند همزمان خارج شوند. چند ایستگاه معدودی مورد این حمله قرار گرفته اند، برای تخریب همه این موشکها توانائی کافی نخواهند داشت. این ایستگاهها باید در مدت زمان ۲ ثانیه بعد از خروج ناگهانی موشکها آنها را شناسائی کنند. و همه این مراحل یعنی محاسبه خط سیر، نشانه گیری، تعیین میزان خسارات وارده و تکرار احتمالی حمله را انجام دهند و تنها پس از شروع دوباره این دور تسلسل علیه هدفی دیگر، لازم است این ایستگاهها ۹۰ بار عملیات فوق را در عرض ۳ دقیقه انجام و ۹۰ هدف را مورد حمله قرار دهند. حتی بدون وارد شدن به جزئیات فنی واضح است که چنین عملیاتی در حال حاضر غیر قابل بررسی و تجزیه و تحلیل هستند.

ایستگاه مجهز به دستگاه تقویت کننده امواج نور دارای اشعه ایکس، کمی متفاوت با ایستگاه فاقد اشعه ایکس، ولی همچنان پیچیده و غیر قابل اطمینان است. در اصل، این انفجار هسته ای است که امکان دستیابی به اشعه ایکس دارای انرژی فوق العاده را می دهد. اکنون کیسولی را که یک بمب کوچک اتمی (از نوع بمب هائی که بر روی هیروشیما و ناگازاکی پرتاب شد) در درون آن قرار دارد همراه با میله ای به طول ۲ متر مجسم کنید. واضح است که عملکرد ایستگاه تنها یک لحظه است، یعنی مدت زمانی لازم برای انفجار اتمی که انرژی خود را به دستگاه تقویت کننده امواج نور وصل کند. در طول این مدت اشعه باید زمان کافی برای ترك کردن ایستگاه و اصابت به هدف را داشته باشند.

1. Iasev      2. Fluor

۳- گاز فلتور به عنوان «بمب» انرژی موجود درون لیزر عمل می کند.

چنانچه ایستگاه بر اثر اولین انفجار تخریب شود، تکرار عملیات مربوط به حمله غیرممکن خواهد بود. به همین دلیل باید سعی کرد هدفهای متعددی را از طریق میله‌های تجزیه‌کننده انرژی همزمان مورد حمله قرار داد. لیکن چگونه می‌توان تعداد زیادی موشکهای بالستیک را تنها به وسیله یک ایستگاه مورد حمله قرار داد (تازه اگر همه گلوله‌ها، همزمان خارج شوند). باید تأکید کرد که آزمایش چنین ایستگاهی (که بدون انجام این آزمایش، تضمین عملکرد ایستگاه غیرممکن خواهد بود) نقض قرارداد منع آزمایش تسلیحات اتمی در اتمسفر فضای فوق آتمسفر و زیر آب است که اکنون مورد قبول اتحاد شوروی و ایالات متحده می‌باشد. مسائل دیگر در ارتباط با ایستگاه‌های فضائی بازم پیچیده‌تر است (به عنوان مثال استفاده از دستگاه تسریع کننده اجزائی که در مدار قرار می‌گیرند) این دستگاه‌ها دارای چنان پیچیدگی هستند که حتی طرفداران ابتکار دفاع استراتژیک، نیز حاضر نیستند، ثمر بخشی مطلق آنها را تضمین کنند.

از طرفی چه تضمینی می‌تواند وجود داشته باشد؟ هنگامی که در طول جنگ جهانی دوم، طرفین جنگ موفق به دفع ۵۰٪ از حملات بمب افکن‌ها شدند، خسارات وارده از این حملات نصف میزان پیش‌بینی شده بود. طرح چنین سئوالی در مورد حمله به وسیله موشکهای بالستیک دارای کلاهکهای هسته‌ای کاملاً بیهوده است. ضرر به‌زدن به ۵۰ یا حتی

۹۰ درصد این موشک‌ها کافی نیست، زیرا خسارات «غیر قابل قبول» خواهد بود، زیرا چنانکه سیاستمداران و نظامیان می‌گویند، باید همه چیز را از بین برد.

چه پیش می‌آید؟ طرفداران ابتکار دفاع استراتژیک با درهم آمیختن محاسبات فنی خود و پناه بردن به دفاعی همه‌جانبه در صدد منحرف کردن اذهان هستند. بنا بر این موشک با از بین بردن موانع ایجاد شده به وسیله ایستگاه‌های فضائی دست نخورده باقی می‌ماند. موشک‌آموریت خود را (بایک یا چند) کلاهک هسته‌ای انجام می‌دهد و پرتاب می‌شود و در طول ۲۵ دقیقه (در مورد موشکهای بالستیک قاره‌پیما ICBM) و یا مدتی بسیار کمتر (در مورد موشکهای زیر دریایی) پرتاب می‌شوند) در اتمسفر زمین جا به جا می‌شود.



ایستگاه‌های رزمی اکنون باید کلاهک‌های هسته‌ای را مورد حمله قرار دهند، اما در

این مورد مشکلات مأموریت آنها به نحو غیر قابل تصویری افزایش می یابد، زیرا کلاهک های هسته ای بیشمار و کوچک هستند و مانند موشک هایی که با رآکتور کار می کنند، خود را نشان نمی دهند. از این گذشته، سوراخ کردن بدنه کلاهک هسته ای به علت مقاوم بودن آن کار ساده ای نیست. آخرین سطح دفاع در مقابل کلاهک های هسته ای که در سطح تحتانی آتمسفر به هدف نزدیک می شوند، همانند عملیات علیه هواپیماهای عامل موشک های هوا به زمین و جزو عملیات جنگی کلاسیک است. ولی محافظت از هدف های نسبتاً کوچک که دارای اهمیت خاصی هستند، بدون محافظت از تمامی مرزها میسر نیست.

۴

بنابراین حتی یک دفاع همه جانبه را نمی توان ۱۰۰ درصد تضمین کرد. ولی همه ماجرا به این جا ختم نمی شود. عده ای تصور کرده اند که مخالفین ابتکار دفاع استراتژیک، با هر گونه معیار حفاظتی مخالفت می کنند. این تصویری ساده لوحانه است. معیارهایی که سرانجام منتهی به عقیم ساختن دفاع در همه سطوح می شوند، دارای خصالت ویژه ای هستند، این معیارها را که نه چندان با ارزش و نه چندان موثرند می توان به آسانی تجزیه و تحلیل کرد. اکنون چند مثال در این زمینه مطرح می کنیم:

پرتاب موشک های طعمه، بدون کلاهک هسته ای که هزینه آنها نیز پایین است ولی مانند موشک های واقعی به نظر می رسند. در این هنگام ایستگاه های رزمی، برای منهدم کردن این موشکها تمامی ذخیره «تیدروکر بور» خود را به هدر می دهند و در اینجا است که موشک های واقعی، بدون وجود هیچگونه مانعی بر سر راهشان، پرتاب می شوند.

همچنین می توان، کلاهک های هسته ای غیر واقعی را نیز بر روی موشک قرار داد. مجهز کردن موشک، به بالن های دارای گنجایش هوا که تقریباً وزنی هم ندارند، کار دشواری نیست. فقط کافیس رنگ آنها کدر و تار باشد و بر روی امواج رادیویی ظاهر شوند. به این ترتیب، سیستم دفاع به کلی بی اثر و معشوش خواهد شد. بنا بر این در قضای خارج از آتمسفر، تشخیص بالن های طعمه، از کلاهک های هسته ای دشوار است (تنها در داخل آتمسفر است که موشکها قابل کنترل و حفظ فاصله هستند).

می توان ذخیره های فضائی یا قمرهای مصنوعی را ضمن پرواز، در نزدیکی ایستگاه رزمی و بر روی مدار مشابه پرتاب کرد. یک چنین پرواز عادی در فضا می تواند، سالها به طول انجامد. اما بر روی زمین، ذخیره های فضائی (قمرهای مصنوعی) به سرعت ایستگاهها را منهدم می کنند. در صورتی که هر یک از ایستگاهها به وسیله قمرهای خود، بطور مداوم پوشیده شوند تمام سیستم های دفاع فضائی می توانند در یک لحظه منهدم شوند.

برای این امر ممکن است که هر گونه سلاح ضد قمر را به کار گرفت. لیکن امکان ساختن چنین سلاح هایی و تمر بخشی آنها، به هیچوجه در ذهن نمی گنجد.

وسرانجام می توان، سلاح ضد دفاع فضائی با انرژی هدایت شونده را به کار گرفت. ایستگاه های فضائی، همواره قابل رؤیت و مدارشان (پس از مشاهده) قابل شناسائی هستند، این ایستگاهها مانند موشک نیستند که به طور ناگهانی از یک نقطه ناشناخته پرتاب شوند.

ابتکار دفاع استراتژیک نمی‌تواند در برابر انتقادی جدی و علمی مقاومت کند و تنها قادر است افراد ناآگاه را فریب دهد. دفاع فضائی رده‌بندی شده قادر نیست تعهد رئیس‌جمهور آمریکا را مبنی بر بلااستفاده و ناتوان ساختن موشک‌های بالستیک در فضای آمریکا به صورت دفاع فضائی آسیب‌ناپذیر، حتی بدون صحبت از اروپا، تامین کند.

۳

اکنون باید به بررسی بعدی پاسخ داد. چرا از چنین «دفاع فضائی» نائص و حتی خطرناک مانند سلاحی کاملاً تدافعی که احدی را تهدید نمی‌کند، صحبت می‌کنیم؟ قبل از هر چیز چنین سیستم‌هایی (به فرض آنکه مرحله به مرحله ساخته شوند) تدافعی نیستند و در ارتباط با سیستم‌های تهاجمی می‌توانند، در خدمت تشدید سیاست جنگ افروزانه قرار گیرند. به خاطر آوریم که این گفته خود پرزیدنت ریگان است.

۴

خصلت تهاجمی و جنگ افروزانه ابتکار دفاع استراتژیک بخوبی آشکار می‌شود، اگر بخاطر آوریم که اتحاد شوروی از سال ۱۹۸۲ به طور یک‌جانبه تصمیم گرفت که اولین طرفی نباشد که سلاح‌های هسته‌ای را به کار گیرد. وزیر دفاع ایالات متحده، کاسپارو این بزرگ منظور خود را در این زمینه روشن‌تر بیان می‌کند: «من نمی‌توانم تصور کنم که دلیلی از این بی‌نیات‌تر باشد که شوروی‌ها دفاعی همه‌جانبه به ویژه علیه این موشک‌ها (موشک‌های بالستیک) را قبل از ما اعمال کنند.»

آشکار است که خصلت تهاجمی که «ابتکار» دفاع استراتژیک به خوبی به وسیله خود رئیس‌جمهور مشخص شده است، «ضدمعیار» را نیز به دنبال خود خواهد داشت، به عنوان مثال قمرها را در نظر بگیریم. امریکائیها جواب آنرا با «ضدقمر» خواهند داد و خود این موضوع بی‌جواب نخواهد ماند و مسابقه تسلیحاتی فضائی آغاز خواهد شد که از قوانین ویژه خود تبعیت خواهد کرد. و این موضوع با چیزی که به دنبال آن خواهد آمد مسافیرت ندارد. ابتکار دفاع استراتژیک به ویژه فراموش خواهد شد. هیولای جنگ ستارگان از کتاف خود خارج و عمل خود را انجام خواهد داد، داخل کردن مجدد این هیولا به درون کتاف کاری است بس دشوار.

پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی عملکرد این هیولا می‌تواند به حقیقتی دهشتناک بدل شود. در طول تحقیقات و تجربیات بر روی سیستم‌های فضائی «تدافعی» بشر می‌تواند امکانات ایجاد جنگ تهاجمی نه تدافعی را که ابتکار دفاع استراتژیک را مانند موضوعی بی‌مفهوم به بوته فراموشی می‌سپارد، کشف کند.

ممکن است به نظر کسی نرسد که جنگ ستارگان بدتر از جنگ‌های کلاسیک باشد، ولی بسیار ساده‌لوحانه خواهد بود که تصور شود، جنگ از ستارگان به زمین سرایت نخواهد کرد. به یک مثال ساده توجه کنید: سلاحی که در فضا قرار گرفته نهایتاً از زمین هدایت خواهد شد و حمله هسته‌ای علیه تجهیزات و ارتباطات زمینی، بخشی از این جنگ خواهد بود.

مسئله جنگ هسته‌ای غیرمترقبه متقابلاً منجر به حوادث تاریخی جدی خواهند شد. پیچیدگی به‌کارگیری سلاح‌های مدرن، موقعیت مخاطره‌آمیز مداوم و سرعت بیش از حد عملیات نظامی نیاز به دستگاه‌های خودکار پیشرفته دارد. نه تنها باید دانست که ایستگاه‌های فضائی، قمرهای مصنوعی و سایر عناصر مربوط به سلاح‌های فضائی را چگونه به‌روی زمین به‌کار گرفت بلکه باید بتوان به‌طور اتوماتیک، مستقل و لحظه‌ای از آنها استفاده کرد. این سیستم، سیستم‌های بسیار پیچیده‌ای هستند، احتمال نشان دادن يك علامت غیر-مترقبه، برای به‌حرکت درآوردن دشمن به‌حدی زیاد است که می‌تواند امکان واکنش‌های جدی را از بین ببرد.

تمام سیستم‌های فنی نیاز به آزمایش، بر روی زمین با هدف‌های واقعی دارند. بنابراین واضح است که يك اردوگاه، تجهیزات خود را برای تنظیم نهائی سیستم‌های جنگی در اختیار اردوگاه دیگر قرار نمی‌دهد. در نتیجه دستگاه‌هایی که به‌طور ناقص تنظیم شده‌اند می‌توانند، در فضا یافت شوند و این موضوع امکان وجود اشتباهات را تسریع می‌بخشد و به این ترتیب است که نظامی کردن کیهان، به‌طور بسیار جدی، خطر به‌راه افتادن غیرمنتظره جنگ، را افزایش می‌دهد.

بنابراین چرا باید چنان هزینه‌های گزافی را برای ایجاد چنین سیستم ناقص و خطرناکی، به‌هدر داد؟

موضوع ابتکار دفاع استراتژیک بر اساس تمام شواهد، مغایر و مخالف افکار عمومی است. اگر این پروژه به‌مرحله عمل درآید، چند ملیتی‌های نظامی-صنعتی ایالات متحده آمریکا در طول سالها (اگر به‌دهسال بکشد) ضمانت دریافت سود هنگفتی را در اختیار خواهند داشت. در زندگی، منافع مادی، اغلب دلیلی عمده به‌حساب می‌آید. لیکن در عمل، فاجعه جهانی، یعنی نابودی تمدن و حیات در کره زمین را به‌دنبال دارد، من سعی کردم به پرسش-های زیادی که در ارتباط با ابتکار دفاع استراتژیک مطرح است، پاسخ دهم و اکنون مایلم به‌نوبه خود پرسشی را مطرح کنم: منطق ابتکار چیست؟

برای دستیابی به امنیت پیشنهاد می‌شود که سیستم‌های تسلیحات فضائی که مواضع جنگ افروزان را به‌دنبال دارند ایجاد شوند و هم‌زمان با آن تسلیحات تهاجمی (موشک‌های MX و زیر دریایی‌های تری‌دنت یا تری‌دنت) نیز مدرنیزه شوند. چگونه این مطلب می‌تواند خطر جنگ هسته‌ای را از میان ببرد. در صورتی که وسایل و ابزار سهل و آسان (متفاوت با وسایل دیگر) و کاملاً اطمینان بخش، برای رسیدن به‌منع‌کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در دسترس است. اتحاد شوروی این وسایل و طرق را از مدتها پیش پیشنهاد کرده و ایالات متحده مغرور و سرافراز از رد کردن این پیشنهادات است. آیا به‌خاطر این نیست که این وسایل، دقیقاً سهل و آسان، و بی‌خطر هستند؟

ترجمه یونانوش توسلی